

رایزنی: سیاست و تاریخدانی

هر چه دورتر به پشت سر نگاه کنید، دورتر به پیش روی را می توانید ببینید.

در زندگی طبیعی، بسیاری از جانوران مانند دلفینها مورچهها و زنبورها نمی توانند ارتباط برقرار کنند؛ ویژگی انسان این است می تواند آزموده ها و آموخته هایش را اندوخته کند و به تبار پس از خود بسپرد. به باور میشل دیره جانوران از سختترین راهها می گذرند و از همدیگر پیروی می کنند؛ ولی راه نمی سازند.

چرا دولتها با کارشناسان تاریخ ریزنی می کنند؟ پایوران سیاسی باید دریافتی روشن و برداشتی درست از پیشینه گستره سیاستهای کنونی داشته باشند که دربرگیرنده تاریخچه سیاستهای پیشین دولتهای گذشته و شناخت زمینه ای باشد که سیاست در آن اجرا می شود - ازینرو باید دانسته شود که دانش تاریخی، بخشی از "کارشناسی" پیوسته با سیاست است. به دیگر سخن، این نیاز تنها از راه دانش کارشناسانه تاریخی برآورده خواهد شد.

کوتاهترین سخن در این باره چنین است؛

تاریخ برای ملتها همچون حافظه برای اشخاص است.

پس می توان گفت تاریخ هر پهنه (=حوزه) به درستی «حافظه سازمانی» آن حوزه است. ازینرو می بینیم نه تنها دولتها که شرکتهای بزرگ، برای نمونه جنرال موتورز، یک یا گاهی بیشتر تاریخدان در استخدام دارند. به ویژه باید به یاد آورد که جا به جایی پایوران و کارکنان و تغییر تصدی سمتهای پیوسته رخ می دهد و این نکته به خودی خود شکافهایی در حافظه سازمانی پدید می آورد که فقط دانش کارشناسانه تاریخدان می تواند آن را پر کند.

تاریخدانان آنبوهه ای از کاردانیهایی دارند که با توانمندسازی جامعه برای پند گرفتن از کارهای گذشته و پرهیز از بازکرد (= تکرار) لغزشها و کوتاهیها در آینده، به فرهنگها و مردم روزگار کنونی سود می رسانند. ازینرو می توان گفت؛

سیاست، دانش بهروز شدن تاریخ است.

چه شد فرمانروایی نیرومندی همچون ساسانیان، که کمابیش در همه زمینه های کشورداری کامیاب بود، چنان فروافتاد؟ و ارسی علمی این رویداد همچنان مسأله ملی و روز ما ست. آیا روش کشورداری صفویان مایه تجزیه کشور نشد؟ بی گمان شد، ولی چگونه؟